

عناصری از فرهنگ عامه در رمان همسایه‌ها (احمد محمود)

شب‌نم لاجوردی زاده^۱

دکتر مهدی ماحوزی^۲



چکیده

بررسی و تفسیر جنبه‌های مادی و معنوی فرهنگ عامه، علاوه بر آشکار ساختن فرهنگ دیرینه یک سرزمین، بسیاری از زوایای مبهم آن را روشن می‌سازد. احمد محمود از نویسندگان بنامی است که به سبب ارتباط با مردم زندگی، باورها، رفتارها و زبان آنان را درون مایه داستان‌های خویش قرار داده و به شکل طبیعی عناصر فرهنگ عامه را در داستان هایش به کار می‌گیرد. در این مقاله بر آنیم تا به بررسی جلوه‌های فرهنگ مادی و معنوی عامه در رمان همسایه‌ها پردازیم و نحوه به کارگیری این عناصر را مورد بررسی قرار دهیم. بدین منظور پس از طرح مباحثی در مورد فرهنگ عامه و قلمروش، به تقسیم‌بندی آن در حوزه مادی و معنوی می‌پردازیم. حوزه مادی در برگزیده آثار، ابنیه، ابزارها و تولیدات مادی عامه خواهد شد و حوزه معنوی زبان عامه، باورها و رفتارها را شامل می‌شود تا در نتیجه، بخش غنی فرهنگ عامه در این اثر آشکار گردد.

کلید واژه: احمد محمود، همسایه‌ها، فرهنگ عامه، زبان عامه.

۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی رودهن، ایران

۲ - استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، ایران

درآمد

از روزگاران قدیم در کتاب‌های نظم و نثر فارسی، معتقدات، آداب و رسوم، سنت‌های عوام و افسانه‌های عامیانه به حد وفور در داستان‌های تاریخی و حماسی به کاررفت و با مطالعه آثار بزرگ ادبی ایران زمین، می‌توان نفوذ و تاثیر این اعتقادات و آداب و رسوم را به روشنی دریافت. (ر.ک انجوی شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۱-۱۲)

جمع‌آوری اجزا فرهنگ عامه به صورت غیر علمی از قرن‌ها پیش در اروپا آغاز شد. عده‌ای از نویسندگان به عنوان سرگرمی به جمع‌آوری شوخی‌ها و هذلیات متداول بین مردم پرداختند.

"رابله نویسنده، طیب و کشیش فرانسوی از پیشروان گردآوری فرهنگ فولکلوریک بود" (روح الامینی، ۱۳۶۴: ۲۵۴) اما فولکلور به صورت محققانه از قرن هفدهم میلادی آغاز شد و در قرن نوزدهم نخستین بار "وی، جی، توماس" کلمه فولکلور را به کار برد. (ر.ک ماسه، ۲۵۳۷: ۲۸-۲۹)

امروز قلمرو واژه فولکلور و موارد شمول آن، با آن چه توماس در نظر داشت متفاوت است. "فولکلور در ابتدا محدود به ادبیات شفاهی بود و معمولاً از قصه‌ها، افسانه‌ها، ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌ها تجاوز نمی‌کرد. به تدریج محققان فولکلور، دامنه مطالعات خود را توسعه دادند و آداب و رسوم و باورهای عامیانه را به قلمرو فولکلور افزودند، کم‌کم هنرهای عامیانه هم وارد این حوزه شد زیرا اعتقادات و باورهای عامیانه از تکنیک و هنر و کاربرد آن جداشدنی نبود بدین ترتیب وسعت دامنه‌ی رفتار و اعمال عامیانه اقوام و جوامع، زمینه‌های مختلف و متنوع زندگی هر روزه مانند: نوع ساختمان، ابزار تولیدی، تکنیک، هنر عامیانه، خوراک، پوشاک، جشن‌ها، بازی‌ها، اعتقادات، طب سنتی، ادبیات عامیانه، جشن‌ها و مراسم مربوط به

گذرگاه‌های مراحل زندگی (تولد، ازدواج و مرگ) را در بر گرفت. (ر.ک روح الامینی، ۱۳۶۴: ۲۵۸-۲۵۷)

"در میان محققان ایرانی، فولکلوریست‌ها حوزه تحقیقی فولکلور را به هنر زبانی و ادبیات شفاهی یا عامه محدود می‌کنند." (بلوک باشی، ۱۳۷۷: ۱۱) اما مردم شناسان دامنه موضوعی فولکلور را وسیع می‌دانند و آن را شامل همه رفتارهای اجتماعی و فرهنگی عامه مردم می‌دانند.

به گفته انجوی شیرازی، آقا جمال خوانساری اولین کسی است که به جمع آوری فرهنگ عامه اقدام نمود. وی نتیجه تحقیقات خود را در کتابی تحت عنوان عقاید النساء (کلثوم ننه) منتشر کرد. مورخان، سیاحان و جغرافی دانان اروپایی در آثار خود به فرهنگ عامه ایرانیان توجه داشتند. کتاب "حاجی بابای اصفهانی" از جیمز موریه نمونه شاخص این توجه است. از نمونه‌های دیگر کریستین سن دانمارکی است در مجموعه قصه‌های فارسی، لوریمیر در فرهنگ مردم کرمان، ژوکووسکی در نمونه آثار ملی ایران و بالارد فرانسوی، که مجموعه‌ای از ترانه‌ها و عادات شفاهی مردم را جمع آوری کردند (ر.ک فاضلی، ۱۳۷۷: ۱۵۸)

در آغاز قرن ۱۴ ش. در متون فارسی، توجه به فرهنگ عامه اندک است اما با انقلاب مشروطه و تحول در شیوه‌های گفتن و نوشتن، فرهنگ عامه در عرصه زبان و ادب حضور می‌یابد و روزنامه‌های فکاهی کشکول، حشرت الارض و نسیم شمال، نوشته‌های دهخدا و ایرج میرزا بر رواج ادب عامه همت می‌گمارند. (ناظم الاسلام، ۱۳۴۹: ۲۱۶)

نویسندگانی چون بزرگ علوی، صادق چوبک، صمد بهرنگی، علی اشرف درویشیان و محمود دولت آبادی با زیستن در میان مردم قدم‌های موثری در معرفی عامه و فرهنگ شان در صحنه ادبیات رسمی برداشتند.

در زمینه اهمیت این گونه بررسی‌ها به این نقل قول بسنده می‌کنیم که "گاهی مطالعه، آثار بازمانده فرهنگ عامه چنان روشن گر اخلاق و وضع روحی جامعه عصر خویش است که هیچ کتاب تاریخ و جامعه‌شناسی نمی‌تواند چنین پرتوی بر زندگانی اجتماعی آن روزگار بیفکند" (محجوب، ۱۳۸۲: ۶۸)

پیشینه تحقیق:

علاقه مندی پژوهشگران ایرانی در زمینه فرهنگ عامه سبب شده تا شمار آثار و پژوهش‌ها در این زمینه چشمگیر باشد. علاوه بر آثار بزرگی که در منابع مورد استفاده قرار گرفته است مقالات فراوانی در همین زمینه نگاشته شده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

دکتر عبدالرضا مدرس زاده	فرهنگ عامیانه در شعر ناصر خسرو
نصرت اله دین محمدی کرسفی	زبان و فرهنگ عامیانه در دیوان صائب
رسول کردی	باورهای عامیانه در دیوان خاقانی
فرشته تیموری	باورهای عامیانه در مرزبان نامه
سهراب برگ بیدوندی و معصومه عیسی وند	عناصر فرهنگ عامه در بهمنی و منزوی
سید محمود رضا غیبی	بررسی فرهنگ عامیانه در گرشاسب نامه

روش تحقیق:

روش انجام این پژوهش کتابخانه‌ای و از نوع پژوهش کیفی است. این پژوهش ضمن تقسیم فرهنگ عامه به دو حوزه مادی و معنوی، عناصر مربوط به آن‌ها را از رمان مورد بررسی استخراج می‌نماید و به بررسی و تحلیل آن‌ها می‌پردازد تا آشکار گردد نویسنده بیشتر بر کدام بخش از فرهنگ عامه متمرکز بوده است و دلایل توجه به آن‌ها مورد

مداقه قرار گیرد.

احمد محمود، رمان همسایه‌ها و فرهنگ عامه

در دی ماه ۱۳۱۰ در اهواز چشم به جهان گشود و در هیج کاری به جز نوشتن دوام نیاورد و تا ۱۲ مهر ۱۳۸۱ همین راه را ادامه داد تا در گذشت. در جوانی گرایش‌های چپ داشت. زندان و تبعید را تجربه کرد. نوشتن را با داستان کوتاه آغاز نمود. مجموعه‌های "مول، دریا هنوز آرام است، زایری زیر باران، غریبه‌ها و پسرک بومی" از کارهای اوست.

رمان همسایه‌ها، داستان یک شهر، زمین سوخته، مدار صفر درجه، درخت انجیر معابد از جمله دیگر آثار بلند اوست. درون مایه غالب آثارش فقر و حرمان مردم تهی دستی است که در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند.

"شیوه واقع‌گرایی او در میان داستان‌ها با شیوه‌های بیان تاثیرهای حسی در داستان‌های جدید به هم پیوند خورده است، از این رو توانسته است نسبت به داستان‌های کوتاه نخستین خود در بیان پیچیدگی زیست آدمیان و روابط اجتماعی آنان گام‌های بلندی بردارد." (دستغیب، ۱۳۷۸: ۱۶۵)

نثرش ساده و توصیفاتش موجز و جزیی است. اقلیم داستان هایش جنوب ایران است و شخصیت‌ها و تیپ‌های داستان هایش غالباً کارگران صنعت نفت و روستائیان مهاجر و حاشیه نشین شهری‌اند که سرنوشت آن‌ها با ساختار سیاسی کشور رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. وی در زمینه نقش سیاست در زندگی ایرانیان می‌گوید: "در ایران کمتر خانواده‌ای را می‌توان یافت که زخم سیاست نخورده باشد. مهاجرت‌ها، تبعیدها و در به دری‌ها بخشی از زندگی سیاسی ماست. و این سرنوشت محتوم ماست و به ما تحمیل شده بدون اینکه بخواهیم و بی آنکه آن را بشناسیم." (گلستان، ۱۳۷۴: ۴۶ و ۴۷)

رمان همسایه‌ها، اولین داستان بلند احمد محمود است که حوادث آن در فضای شهری

رخ می‌دهد. شهری کنار کارون با طبیعت، غذا، پوشش، زبان، ترانه‌ها و واژه‌های جنوبی. "آثار احمد محمود هم چون محمود دولت‌آبادی در زمره ادبیات اقلیمی قرار می‌گیرد، البته با این تفاوت که عرصه کار دولت‌آبادی جامعه روستایی و عشایری است در حالی که احمد محمود بیشتر به جامعه شهری جدید و مناسبات و مسایل آن نظر دارد." (آقایی، ۱۳۸۳: ۱۱۲)

در آثار احمد محمود شهر، پس زمینه داستان‌های او محسوب می‌شود و فقط کارکرد مکانی دارد و زمینه خلق حوادث است. شهر و مناسبات آن بر داستان مسلط نمی‌شود. در رمان همسایه‌ها مکان حوادث شهری است در کنار کارون اما جزییات این شهر گاه ناروشن است. خانه مسکونی که غالب شخصیت‌ها در آن زندگی می‌کنند، قهوه‌خانه‌ها، میدان مجسمه، میدان زندان، کتابفروشی مجاهد، بازار و کنار شط، زندگی شهری را در این رمان ترسیم می‌نماید اما مناسبات شخصیت‌ها و تیپ‌ها غالباً روستایی است. شهر در رمان همسایه‌ها نقشی پررنگ ندارد. بلدی، دستگاه‌های پلیسی و قضایی، مناسباتی چون رشوه خواری، می‌خواری و..... وجود احزاب و گروه‌های سیاسی، انتشار روزنامه‌ها، وجود کتاب فروشی‌ها فضای شهری را بازگو می‌نماید، اما آشنایی همه مردم شهر با یکدیگر، هم‌گرایی آنان با یکدیگر، نیمه تخصصی بودن مشاغل، کم‌رنگ بودن منفعت طلبی فردی، به مناسبات مردم این شهر رنگ و رویی روستایی می‌دهد. پوسته و ظاهر داستان، روایت شهر و حاشیه نشین‌های شهری است که مناسبات درونی آنان بر معیارهای روستایی تکیه دارد. مکان، نحوه و چگونگی زیست، واژگان، کنایه‌ها، اصطلاحات، ترانه‌ها، آداب و آیین‌ها بازتاب دهنده زندگی کسانی است که هنوز شهری نشده‌اند و یا اگر شهری محسوب می‌شوند از عوارض زندگی شهری و مهاجرت رنج می‌برند.

همان‌گونه که رابطه مکان شهر با شخصیت‌ها و تیپ‌ها در داستان همسایه‌ها

نفت) غالباً درگیر سیاست هستند. مغازه دارها اجناسشان را نسبه می‌فروشند و اغلب در مراودات مردم، خصلت مدارا حاکم است.

در آن خانه قدیمی هشت خانوار سکونت دارند. همه مستاجرند و هر کدام به تناسب وسع مالی شان یک یا دو اتاق دارند. وسط حیاط حوضی وجود دارد که کارکردهای گوناگون دارد. دست شویی مشترک است. رخت‌ها بر پشت بام پهن می‌شوند. خالد کبوترخانه‌ای بر پشت بام دارد. هیچ خانواده‌ای مطبخ و حمام ندارد. در همان اتاق‌ها غذا می‌پزند و غروب دم اتاق را آب و جارو کرده و حصیر پهن می‌کنند و شام را آن جا می‌خورند. برخی، شب را در حیاط در پشه بند می‌خوابند. همه از خورد و خوراک هم خبر دارند. بوی غذا در هم می‌پیچد، به آنچه دارند قانعند. هوای هم دیگر رادارند. چون عمو بندر زن ندارد، همسایه‌ها بیشتر به او می‌رسند. برخی افراد باهم آبشان به یک جو نمی‌رود (محمد مکانیک و اوساحداد) اما مدارا اساس زندگی در این گونه خانه‌ها است. در کنار حیاط جایگاهی برای حیوانات وجود دارد. رحیم خرکچی الاغ هایش را آنجا می‌بندد. با رفتن او آن مکان‌ها تمیز می‌شود و ملا احمد کلاس هایش را آن جا برگزار می‌کند. معماری و نحوه زیست این مردم انتخاب آن‌ها نیست لذا مناسبات خود را با توجه به این محیط تنظیم می‌کنند. زندگی خصوصی در این بنا، تقریباً غیر ممکن است. دعوای خانوادگی، گرفتاری‌ها، داشتن و نداشتن‌ها، همه بر ملا می‌شود. تنیدگی روابط گاه مفسده‌هایی ایجاد می‌کند. کودکان زودتر از سن شان به بلوغ می‌رسند. بزرگ ترها گاه از کودکان سوء استفاده می‌کنند و روابط غیر اخلاقی، تبعاتی به دنبال دارد که به سبب عدم پذیرش جامعه پنهان می‌شود. برخی از ساکنین خانه با رفتارهای پرخطر، دیگران را در معرض آسیب قرار می‌دهند. زیستن در مکانی چنین، مجموعه‌ای از آثار منفی و مثبت را به دنبال می‌آورد. این مکان بستر زندگی و بالیدن شخصیت‌های داستان می‌شود.

است. اما نیست، بعد از صدای رگ دار گوینده رادیو، رئیس دولت حرف می‌زند. همه گوش را تیز کرده اند. حرف‌های رئیس دولت بوی خوشی نمی‌دهد.. آدم این را از نگاه ناراضی کارگران می‌تواند بفهمد... رئیس دولت اعتقاد دارد که ما هنوز نمی‌توانیم یک لوله‌نگ بسازیم اگر ساخته شود از صد جاش آب می‌رود. می‌گوید: اگر صنعت نفت را ملی کنیم، نابود می‌شویم. ما مهندس نفت نداریم. اقتصاد ما همین نفت است. اگر لاج بکنند و نفت ما را نخرند ورشکست می‌شویم." (همان: ۱۳۴)

"اما مشتری‌های قهوه خانه شکوفه با مشتری‌های قهوه خانه امان آقا و مرشد فرق دارند. اغلب جوان هستند، درس خوانده به نظر می‌آیند. دسته دسته دور هم دیگر نشسته‌اند و گفت و گو می‌کنند. حرفشان از نفت است، از اعتصاب کارگران تصفیه خانه. قهوه خانه دور تا دور اتاق‌های بزرگ سه دری دارد. تو هر اتاق چند دسته نشسته‌اند و اتاق‌ها به هم دیگر راه دارند." (همان: ۲۰۶)

توصیف‌های فوق از مکان‌ها به خوبی نشان می‌دهد که احمد محمود رابطه‌ای متعادل میان مکان و حوادث برقرار می‌کند آن چنان که مکان نه تنها، بر روابط و مناسبات انسانی غلبه نمی‌نماید بلکه بستری شایسته را برای رخ دادن آن‌ها فراهم می‌نماید. حوادث داستان از فصل چهارم منحصر به یک مکان است، زندان، انفرادی، بند عمومی و اتاق بازجویی. دو پنجم این اثر در توصیف فضا و مکان زندان زندانیان، روابط آن‌ها با زندان بان و مناسبات میان خود آن‌هاست که بیشترین بازتاب فرهنگ زبانی عامه را در خود دارد. احمد محمود در سه فصل آخر این اثر گاه به توصیف فیزیکی زندان می‌پردازد، اما به همان شیوه پیشین از ابنیه و اشیا بهره می‌گیرد تا روابط پیچیده‌تر را تبیین نماید.

شلغم." (همان: ۱۷)

تنکه: "یقین باز تنکه نپوشیده است." (همان: ۱۱)

جوغن: "کرم علی جوغن را برداشته است." (همان: ۱۹۵) به معنی هاون سنگی.

(معین، ۱۳۶۳: ذیل واژه)

چراغ توری: "چراغ توری شاطر حبیب کوچه را روشن کرده است." (همان: ۳۳)

چپق: "رحیم خرکچی.. چپقش را پر کرده است و دود می‌کند." (همان: ۱۸)

چوخا: "خواجه توفیق، خودش را لای چوخا پیچانده است." (همان: ۹۴)

حب: "کنار حب، حصیر انداخته و خوابیده است." (همان: ۴۰) (ظرف بزرگی از

سفال برای آب مشروب).

حبس صوت: (گرامافون) "ما هم می‌رویم قهوه خانه امان آقا که به حبس صوت

گوش بدهیم" (همان: ۱۷)

این وسیله اگر چه متعلق به زندگی عامه نیست اما در مکان‌هایی که عوام رفت

وآمد داشتند مورد استفاده واقع می‌شد و معمولاً عامه به آن اقبال می‌نمودند.

زنبه: "با زنبه شکسته ای.. خاکش را تو کوچه می‌ریزند." (همان: ۲۸۳)

دگنک: "انگار با دگنک زبره گچ را بکوبی." (همان: ۴۳)

سُک: "از آن دفعه که سک تو پوست چرمه (نام الاغ) شکست." (همان: ۳۳)

شوشکه: "یک بار هم شوشکه را کشیده است به دنبال فرمانده گردان." (همان: ۱۰۶)

کبکاب: "صدای کبکاب مادرم را شنیدم." (همان: ۱۳) (نوعی دمپایی چوبی)

کُبه: "کبه در خانه به شدت کوبیده می‌شود." (همان: ۲۳۳)

کلبچه: "چشمش به کلبچه افتاد." (همان: ۳۶۳)

لاوک: "لاوک‌های خمیر، بیرون دکان چیده شده است." (همان: ۳۳)

لنگوته: "با لنگوته‌ای که رو دوش داشت، عرق پیشانی را می‌گیرد." (همان: ۲۴۲)

نان، غذای اصلی سفره محسوب می‌شود و شاطر حبیب به برخی از ساکنان محل نان را نسیه می‌دهد.

۱-۵ پوشاک:

شخصیت‌های این رمان با پوششان معرفی نمی‌شوند اما برخی تیپ‌ها، دشداشه می‌پوشند. برخی لنگوته‌هایی دارند که عرق پیشانی خود را با آن می‌گیرند. زنانی هستند که بینی واره دارند و چادر بر سر می‌کنند. (همان: ۳۷۹)

پوشش ساکنان خانه اصلی داستان، تابع سنت و عرف است و ارتباط مداوم آن‌ها با هم تعریف پوشش را به گونه‌ای برای آنان رقم می‌زند که با شریعت مطابقت ندارد بلکه مدل و الگویی فراهم آمده از نوع و نحوه زندگی خود آنان است. به عنوان مثال گاه پیش می‌آید که برخی زنان داستان سر برهنه در حضور مردان خانه دیده می‌شوند و یا آن چه به سر دارند فقط سطح موها را می‌پوشند. گاه دختران در حضور پسران نوجوان در حوض خانه، آب تنی می‌کنند. نمونه‌های این گونه حکایت از تعریفی خود ساخته و مطابق با زیست از حجاب دارد.

۲- عناصر اعتقادی و رفتاری فرهنگ عامه

۲-۱- باورها:

پایه‌های اندیشه و عقاید یک ملت در گذر تاریخ و در اختلاط با اقوام و ادیان دیگر نهاده می‌شود. افکار و اعتقاداتی که سرچشمه و اساس رفتارهای گوناگون می‌گردند و ریشه در مذهب، خرافات و اسطوره دارند. برخی باورها هم از چشمه زاینده تجربه نشأت می‌گیرند لذا عناصر اعتقادی فرهنگ عامه را در سه حوزه مذهب، خرافه و عرف می‌توان جستجو نمود که به بررسی آن‌ها در رمان همسایه‌ها می‌پردازیم.

برای کودکان مکرر در داستان می‌آید که: "مرد اونه که وختی با پنجه بزنی رو گرده اش، گرد و خاک بلند بشه." (همان: ۱۶ و ۲۴۹) در این باور درس خواندن کار محسوب نمی‌شود. درس را باید تا آنجا خواند که حمد و سوه را بتوانی بدون غلط بخوانی. گاه بزرگترها به سبب تشجیع و برانگیختن کودکان در فراگیری مهارتی، قصه‌هایی را می‌ساختند و به تدریج تبدیل به باور می‌شد. "بچه‌ها تو کارون قشقرق به پا کرده اند. بالنگ ماهی‌های کوچک کنار کارون را که از دو بند انگشت بزرگتر نیستند، صید می‌کنند و زنده زنده قورت می‌دهند که شنا یاد بگیرند." (همان: ۲۵۸)

۲-۲- عناصر رفتاری فرهنگ عامه:

رفتارهایی چون عادت‌های غذایی، راه‌های درمان، آیین‌ها، بازی‌ها و سرگرمی‌ها، شیوه‌های اقتصادی اداره زندگی و.... ریشه در عوامل متعددی دارد. اقلیم، آب و هوا، باورها، مذهب، حکومت‌ها و نهادهای مرتبط با آن‌ها، قوانین اجتماعی و ارتباط اقوام با یک دیگر از عوامل تعیین کننده تولد، تغییر یا محو رفتارها در فرهنگ عامه هستند. رمان همسایه‌ها در پرداختن به عناصر رفتاری فرهنگ عامه پربار است که به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۲-۱- بازی‌ها:

• خال سیاه خال سفید: "سر راه دهاتی‌هایی را که برای خرید به شهر می‌آیند، می‌گیرند و سرشان کلاه می‌گذارند. برگ سفید مال من، خال سیاه مال تو. آگه دیدی بردی به تومن به پنج تومن." (همان: ۷۸)

• دوز بازی: "حسین آشی با اسی سرخو، دوز بازی می‌کنند." (همان: ۳۸۸)

• دومینو بازی: "گاهی با هم دومینو بازی می‌کنیم." (همان: ۱۷)

عبارتند از: اتباع، واژگان همگون، کنایه‌ها، مثل‌ها، دعاها، قسم، فحش، نفرین و ضرب المثل‌ها. در داستان همسایه‌ها نمونه‌های این عناصر زبانی فراوانند لذا در این پژوهش به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۳-۱- دوگانه سازی یا مرکب اتباعی:

دو لفظ را گویند که پشت سر هم می‌آیند و اغلب در حروف پایانی همانند هستند و لفظ دوم تأکیدی بر لفظ اول است و غالباً معنای خاصی ندارد. گاهی ممکن است کلمه مهمل در آغاز قرار بگیرد مانند: آت و آشغال و گل و گشاد. استفاده از این الفاظ مرکب از ویژگی‌های زبان عامه است. نمونه‌ها:

- آسمون و ریسمون: "با خیال راحت بشینی و آسمون ریسمون سر هم کنی." (همان: ۴۹)
- آش و لاش: "ولی کمرم آش و لاشه." (همان: ۳۵۵)
- چسان فسان: "هر روز چسان فسان می‌کنه و راه می‌افته." (همان: ۱۶۳)
- سور و سات: "دعا کن به جون آفاق خانوم که سور و ساتتو جور می‌کنه." (همان: ۴۹)
- شارت و شورت: "شارت و شورت راه می‌اندازد." (همان: ۴۵۷)
- ارس و پرس: "ممکن است که همینطور بی ارس و پرس، دارم بکشند." (همان: ۳۳۴)

۳-۲ - واژگان:

در آثار احمد محمود، خواننده با چند گونه از واژگان روبرو است. واژگان دخیل انگلیسی و عربی، واژگان اقلیم جنوب و واژگان کهن فارسی که در زبان سایر اقوام ایرانی هم دیده می‌شود. نمونه‌ها:

- پینکی: "چشم هایش روی هم می‌نشیند و پینکی می‌رود." (همان: ۴۸)
- زکی: "زکی! پس فرق او‌نا با ما چیه؟" (همان: ۴۶۱)

زبان بیان شده است. نمونه‌ها:

- "آب از سر گذشتن چه یه و جب چه صد و جب" (همان: ۳۰۷)
- "آدم بدبخت رو از گرده‌ی شتر، کوسه می‌زنه." (همان: ۲۴۷)
- "آردش را بیخته است و الکش را آویخته است." (همان: ۱۲۷)
- "پیش قاضی (غازی) و معلق بازی." (همان: ۴۲۵)
- "تا نباشد چیزکی مردم نگویند چیزها." (همان: ۸۰)
- "تره خریدم قاتق نونم کنم، قاتل جونم شد." (همان: ۱۹۸)
- "چنان قابی سوراخ کند که حظ کنند." (همان: ۱۹۶)
- "حالا خربیار و باقالی بار کن." (همان: ۶۵)
- "دمش را بزنی سرش پیدا است." (همان: ۳۸۰)
- "دو کلمه از مادر عروس بشنو." (همان: ۴۷۶)
- "دیگ به سه پایه میگه روت سیاه." (همان: ۱۴۹)
- "شتری که جلوی پای همه می‌خوابد." (همان: ۳۳۴)
- "فیل مرده ش صد تومنه، زنده شم صد تومنه." (همان: ۸۸)
- "مرگ می‌خوای برو گیلان" (همان: ۳۸۰)
- "هر چی بهش میگم نره می‌گه بدوش" (همان: ۴۶۳)
- "هر خوردن زردآلو پس دادن هم داره." (همان: ۷۷)
- "همیشه سنگ به در بسته می‌خوره." (همان: ۴۰۰)

۳-۱۲- کنایه‌ها:

کنایه به معنی چیزی آشکار را نهان کردن است. ارزش ادبی کنایه در آن است که شنونده با تلاش ذهنی به معنای پوشیده پی می‌برد. در کنایه معنی واقعی سخن نیز پذیرفتنی است و مقصود گوینده همان است. کنایه اقسامی دارد: ۱. کنایه بر پایه معنا

